

« نوروز و مهرگان و سده جشن ایزدی است »

جشنهای ایزدی

نگارش

دای قتی - بهروزی

دبیردبیرستانهای شیراز

اسفند ۱۳۲۴

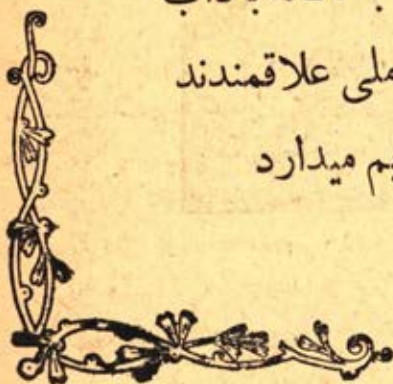
چاپخانه معصوموی شیراز



نویسنده کتاب

اهداء

این کتاب را بآنانکه بآداب
و رسوم ملی علاقمندند
تقدیم میدارد





بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

دو هزار سال پیش ازاین ، کشور ایران تنها کشوری بود که در دنیا شهرتی عالمگیر داشت و نه تنها بزورشمیر و نیروی سلحشوری افراد رشید خود قطعات آباد گیتی را باجگزار ساخته بود ، بلکه در دانش و هنر ، تمدن و اداب اجتماعی نیز گامهای بلندی برداشته بود . چنانکه « هر دت » مورخ معروف یونانی در تاریخ مشهور خود ، هم اداب کشور گشائی و کشور داری ایرانیا را ستوده و هم تربیت افراد و رسوم اجتماعی این ملت را تمجید و تحسین کرده است .

مهمترین عادات اجتماعی ایران باستان جشنهای متعدد آنست که در عرض سال برگزار میشده و در خلال آن جشنها ، آداب و رسوم بیشمار را معمول میداشته اند .

این جشنها که عده آنها خیلی زیاد بوده ، هر کدام بمناسبتی مرسوم شده و هر يك هم ، چه در دربار شاهنشاهان و چه در میان مردم ، آداب و رسوم خاصی داشته است که معمول میگردیده .

پیدایش هر يك فلسفه و علتی داشته که با حوادث و وقایع تاریخی و یا

معتقدات دینی و ملی بستگی داشته است .

بدبختانه هجوم بیابانی اقوام خارجی بدین سرزمین ، که در عرض این مدت بیست قرن روی داده است بسیاری از آن جشنها و آداب و رسوم را از یاد برده و اگر چند تایی آنها هنوز باقیمانده است متأسفانه بسیاری از آداب و رسوم آنها فراموش شده و یا دیگرگون گردیده است .

خوشبختانه غالب این جشنها و بسیاری از آداب و رسوم آنها هنوز نزد زردشتیان ایران و هند که تا این تاریخ نسبت بایران و مراسم آن وفا دار مانده اند معمول و متداول است .

در میان آن جشنها سه جشن « نوروز - مهرگان - سده » از همه بزرگتر و مهمتر بوده و از نظر همین اهمیت هم بوده است که جشنهای سه گانه مزبور ، با آنهمه تاخت و تازها ، فراز و نشیبها و طول مدت ، مقاومت کرده و نوروز تا هنوز مرسوم است و دوتای دیگر هم تا چندی بیش معمول بوده است ؛ و نیز پیدایش و آداب و رسوم گوناگون آنها با حوادث تاریخی و افتخارات ملی ما بستگی کاملی دارد .

بدین ملاحظه اینجانب ازچندی بدینطرف بفکر افتاد که برای معرفی این سه جشن بهموطنان گرامی و مخصوصاً جوانان حساس ، شرح نسبتاً جامعی در اطراف هر یک نگاشته و منتشر کنم .

خوشبختانه با اینکه وسائل و منابع کافی در دسترس نبود ، تا حدی بدینکار موفق گردیدم و آنها را در جرائد و مجلات بتدریج منتشر ساختم .

چون امروزه ملل گیتی در احیای آداب و رسوم دیرینه خود ، مخصوصاً آنهاست که با افتخارات ملی و تاریخی و عادات اجتماعی بستگی دارد میکوشند ، خیلی شایسته و سزاوار است که افراد ایرانی و مخصوصاً جوانان بچگونگی پیدایش این جشنها و آداب و رسوم آنها که غالباً شکوه و جلال در بار شاهنشاهان ایرانی و عظمت و بزرگی ملت ایرانرا میرساند پی ببرند و بدانند که هر کدام چگونه بوجود آمده و مراسم آنها بچه ترتیبی برگزار میشده است .

از روی این عقیده، آن مقالات را از جرائد و مجلات گرد آوری
کرده و اینک بعنوان « ارمغان نوروز » بشکل کتابچه بعلامندان بآداب
و رسوم ملی تقدیم میدارد. و امیدوارم که انتشار این کتابچه موجب
گردد که هموطنان گرامی توجه بیشتری بدین جشنها نموده بکوشند تا
آنها را هرچه باشکوه تر برگزار نمایند زیرا که این جشنها یادکار عظمت
ایران باستان و نمونه فر و شکوه شاهنشاهی ایران هخامنشی است.

شیراز - اسفند ماه ۱۳۲۴

علی تقی بهروزی





« این مقاله در شماره ۳۸ مجله »
« گلهای رنگارنگ چاپ تهران »
« شماره ۱ و ۲ و ۳ روزنامه پیغام »
« چاپ شیراز درج شده است . »

جشن بزرگ نوروز

۱- نوروز باستانی = قدمت نوروز

ایرانیان در دوره های قدیم جشنهای زیادی داشته اند که با آداب و رسوم خاصی برگزار میگردد. در ایران باستان هر روزی از ماه دارای نام مخصوصی بوده بشرح زیر :

فروردین، نوزدهم • اردیبهشت، سوم • خرداد، ششم • تیر، سیزدهم •
مرداد، هفتم • شهریور، چهارم • مهر، شانزدهم • آبان، دهم • آذر، نهم •
دی، هشتم • بهمن، دوم • اسفند، دوازدهم • پنجم • هرگاه نام روز با نام ماه توأم
میکشت آن روز را جشن میگرفتند • مثلاً فروردین روز ماه فروردین
(نوزدهم فروردین) و اردی بهشت روز ماه اردی بهشت (سوم اردی بهشت)
و خرداد روز ماه خرداد (ششم خرداد) و بهمین ترتیب تا ماه دوازدهم • علاوه
بر این جشنهای ماهانه ، جشنهای بزرگ دیگری نیز داشتند که معروفترین آنها
عبارتند از :

جشن نوروز ، جشن مهرگان ، جشن سده ، جشن بهمنجه ، جشن نیلوفر ،
جشن فرودگان ، جشن آبریزان و جشن مردگیران .

ولی مهمترین آن جشنها سه جشن بزرگ نوروز، مهرگان، و سده بوده است چنانکه شاعر هم گفته است :

« نوروز و مهرگان و سده جشن ایزدی است »

لیکن باز در میان این سه جشن، جشن نوروز از دو جشن دیگر مهمتر بوده و مزایای دیگری داشته است . یکی آنکه جشن نوروز قدیمی ترین جشنهای ایران است که از روزگار باستان بجا مانده است . و دیگر آنکه جشن نوروز در بهترین اوقات سال یعنی در آغاز بهار قرار گرفته و هنگام خرمی و نشاط و سرسبزی طبیعت است و موقعی است که شب و روز مساوی گردد (اعتدال ربیعی) و جهات از رنج سرمای زمستان رسته و بهار شروع میگردد .

بدین جهت جشن نوروز، در بین سایر جشنهای ایران مقام مهمی را احراز کرده و چنانکه خواهیم دید ملل دیگر یکبار بعد ها با ایرانیان رابطه پیدا کرده اند بمتابعت ایرانیان نوروز را محترم شمرده و حتی در دین اسلام نیز جنبه روحانیت بدان داده و او را دوا دعیه برای آن قابل شده اند . روی همین زمینه است که در طی سالیان متمادی و با تحولات گوناگونی که در ایران رخ داده، با وجودیکه کلیه جشنهای ملی و باستانی و آداب و رسوم دیرین از بین رفته است، نوروز و رسوم آن با برجا و برقرار مانده است .

۲ = نوروز داستانی - پیدایش نوروز

چون جمشید شاهنشاه کیانی بر او رنگ شهر یاری تکیه کرد آئین نیکو نهاد و مردم را پیشه ها بیاموخت و آلات و ادواتیکه نمیدانستند بایشان تعلیم کرد . ایشان را یاد داد که زر و نقره و آهن را استخراج کنند و از آنها آلات و اسباب جنگ و زراعت و تاج و تخت و طوق و کمر بسازند آنگاه تهیه لباس و دوختن پارچه را بایشان بیاموخت و عنبر و کافور و زعفران و عود بدست آورد . سپس خشت زدن و خانه بنا : این را بمردم یاد داد

تا کاخها و عمارات و گرمابه ها سازند و در آنها بیاسایند سپس مردم را به چهار طبقه متمایز تقسیم کرد .

اول - روحانیون که مردم را براه راست و خدا شناسی هدایت نمایند :
گروهی که کاتوزیان خوانیش بر سم بر ستند گات دانیش
جدا کرد شات از میان گروه پرستند را جایگه کرد کوه
دوم - جنگ آوران و لشکریان که حدود و مرزهای کشور را حفظ و حراست نمایند :

صفی بر دیگر راست بنشانند همی نام فیساریان خوانند
کجا شیر مردان جنگ آوردند فروزنده لشکر و کشورند
سوم - دهقانان و کشاورزان که زاد و توشه و خوار بار مردم را تهیه نمایند :

نسودی سه دیگر گره را شناس کجا نیست بر کس از ایشان سپاس ؟
بکارند و ورزند و خود بدر و ند بگاه خورش سر زنش نشو ند
چهارم - پیشه وران که حوائج مردم را بر آورند :

چهارم که خوانند اهتوخوشی همان دست ورزان با سر کشی
کجا کارشان همگنان پیشه بود روانشات همیشه پر اندیشه بود
چون از این کارها فراغت یافت وزندگانی مردم را مرتب فرمود و یزدان بر اهریمن چیره گشت :

سر سال نو هر مز فرودین بر کیانی یکی جشن ساخت
بنوروز نو ، شاه گیتی فر روز جهان انجمن شد بر تخت اوی
بجمشید بر ، گوهر افشانند مر آن روز را ، روز نو ، خواندند
روز اول فروردین یعنی روز بهار را بفرمود تا جشن گیرند و خود در ساعت تحویل آفتاب بحمل در تالار بزرگی بتخت مرصعی جلوس نموده و تاجی

مکمل از جواهر الوان بر سر نهاد و مردم را بار داد . چون پرتو آفتاب بآن همه جواهر و مروارید افتاد و از انعکاس آنها جمشید تلؤلؤ و درخشندگی خاصی پیدا کرد بنامش که تا آنروز « جم » بود لفظ (شید) که بمعنی شعاع آفتاب و یا مخفف (درخشید) است افزوده اورا « جمشید » خواندند .

۴ = رسوم نوروز

.....

در دوره های پیش از اسلام ، آداب و رسوم نوروز بسیار بوده است . دربار سلطنتی ایران جشن نوروز را بدو گونه برگزار میکردند . یکی نوروز خاصه و دیگری نوروز عامه . نوروز خاصه مخصوص خانواده سلطنتی و وزراء و درباریان بوده و نوروز عامه مخصوص اعیان و اکابر و سایر مردم - مدت جشن نوروز بقولی چهل روز بوده و بقولی سیزده روز . اولین آئین نوروز چنین بود که در روز نوروز (اول فروردین) نخستین کسی که پیش شاهنشاه آمدی مؤبد مؤبدان بودی که با جام زرین پر می و انگشتری و درمی خسروانی و یکدسته خوشه سبز و شمشیری و تیرو کمانی و دوات و قلمی و اسبی و بازی و غلامی خوب روی بحضور آمدی و شاه را ستایش کردی و نیایش نمودی و او را بداد و دهش و پیروی از یزدان پند دادی و خجسته بودن جشن را با دعا گوئی بوی ختم کردی و جام می را چاشنی کردی و بملک داری و خوید سبز در دست دیگرش نهادی و دینار و درم در پیش تخت او بنهادی و تقدیم این اشیاء بقال نیک گرفتی و بدان آرزو بود که تا سال دیگر شاه خرم و خندان و کشور آبادان و سر سبز و مردم از یمن شمشیر و قلم و تدبیر او در امان باشند .

پادشاهان در جشن نوروز بفقراء و بیچارگان بndl و بخشش فراوان می کردند و وزراء و درباریان هر يك باندازه قدر و مرتبه اش پاداش و خلعت دریافت میکرد . پیران و کهن سالان و مؤبدان دور تخت پادشاه حلقه میزدند و شاهنشاه را بعدل و داد و نیکوکاری و رعیت نوازی اندرز و بند

میدادند • محبوسین را آزاد میکردند و مالیات را تخفیف میدادند •
 آداب و رسوم که مردم داشتند و در منازل و معابد بجا میآوردند از
 قبیل ، قربانی و نذورات ، بکار بردن بوهای خوش و عطریات ، لباس نو
 پوشیدن و گل و سبزه روبانیدن و دید بازدید ها و غیره نیز بسیار بوده است
 که ما برای اینکه مقاله خیلی بطول نینجامد از تفصیل آنها صرفنظر میکنیم
 در دوره اشکانیان چون بآداب و رسوم ملی پابست نبودند جشن نوروز از
 رونق افتاد ولی پس از ظهور اردشیر بابکان، رسوم نوروز دوباره بر قرار
 گشت و سلاطین ساسانی آنها را با شکوه تمام برگزار میکردند و مخصوصاً
 گویند بروزگار انوشیروان عادل اتمام قصر مدائن مصادف با جشن نوروز
 گردید • از اینرو بفرمود تا جشنی عظیم بر پا کردند •
 این آداب و رسوم پس از اسلام نیز کم و بیش جاری بود و اگر برخی
 از آنها متروک گردید ولی آداب و رسوم جدید و اورا دواذعیه و تذکار
 برای هنگام تحویل سال و عید نوروز از طریق دین و مذهب بر آت
 افزوده گشت •

۴ - نوروز در اسلام

وقتیکه اعراب وارد ایرات شدند و آداب و رسوم ایرانیانرا دیدند ،
 بسیاری از آنها پسندیدند و بمتابعات ایرانیان آنها را بجای آوردند چون
 طرز تنظیم دفاتر دیوانی و مالیات و رسوم درباری و فرمانروائی و برخی
 جشنها از قبیل جشن نوروز ، و مهرگان که آنها « نیروز و مهرجانت »
 خواندند • عرب چون هر چیز را اقتباس میکرد آنها بصورت عربیت در
 میآورد ورنك دیانت بدان میبخشید وقتیکه جشن نوروز را هم اقتباس کرد
 جنبه « روحانیت » و « دینی » بدان داده و برای آن او را دواذعیه و ذکر
 ها مقرر کرد و حتی روزه گرفتن را در آنروز مستحب دانست •

۵ = نوروز در تشیع

بطوریکه میدانید حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام بواسطه انصاف و عدالتی که بخرج داد و در مجلس عمرین خطاب از اسرای ایرانی طرفداری کرد و مخصوصاً شهربانو شاهزاده ایرانی را از تنگ اسارت نجات داد و بمصاهرت خود او را مفتخر فرمود و بعداً هم درخونخواهی هر مزان سردار ایرانی که بجرم قتل عمر مقنول گردید، بود پافشاری کرد محبت و ارادت ایرانیان را جلب نمود و ایرانیها قلباً بآن حضرت و خانواده وی ارادت میورزیدند و از تصادفات عجیب روزگار آنکه واقعه غدیر خم و انتخاب آن حضرت بجانشینی حضرت رسول «ص» و حتی جلوس آن حضرت بر اورنگ خلافت صوری هر دو مصادف با جشن نوروز یعنی بزرگترین جشن ایرانیان گردید و گردش روزگار باین جشن بزرگ ملی رنگ مذهبی نیز داد و در واقع نوروز در نظر ایرانیان هم یک جشن ملی است، و هم یک جشن مذهبی و علت بزرگ پایدار ماندن جشن نوروز همین نکته اساسی است. شاعر هم بهین مناسبت سروده است :

نوروز شد و گل بچمن رام گرفت جمشید جم از دست جهان جام گرفت
امروز علی نشست بر جای نبی بر فتح علی زما مه آرام گرفت

۶ = نوروز در دربار عباسیان

در دربار خلفاء عباسی بواسطه نفوذ ایرانیان آداب و رسوم نوروز با شکوه تمام بجای آورده میشد مخصوصاً در دوره برامکه جشن نوروز از بسیاری از جشنها با شکوه تر بوده است. در دوره مأمون چونت بواسطه اینکه از زمان یزدگرد سوم کیسه ها را رعایت نکرده بودند و نوروز تقریباً در تابستان قرار گرفته بود خلیفه بفرمود تا زیجی ساختند و نوروز را باول بهار باز گردانیدند و اینکار یکمرتبه دیگر نیز در دوره متوکل عباسی بعمل

آمد . در اواخر دوره بنی عباس که حکومت‌های ملی در نقاط مختلفه ایران شروع یافتن استقلال نمودند هر کدام برای احیاء آئین و رسوم باستانی کوشش و حتی ابراز رقابت هم مینمودند مخصوصاً سامانیان که در زنده کردن آئین جشنها بخصوص جشن نوروز جدیتی بسزا بخرج دادند و دنباله آن بدوره سلاطین غزنوی و دیالمه کشید . ظهور فردوسی و پیدایش شاهنامه در تحریک این حس و بجا آوردن رسوم باستانی و ملی خدمت بی نظیری انجام داده است . برخی از امراء و سلاطین این سلسله ها در برگزار کردن آداب و رسوم کهن تعصب و علاقه غریبی داشته اند چنانکه مرداویج زیاری عاقبت در برگزاری رسوم جشن سده جان خود را روی آن گذاشت . شعراء عجم و عرب هم در مدایح این جشنها مخصوصاً جشن نوروز قصائدی غرا سروده اند که بیان همه آنها کاری است بس دشوار .

۷ = نوروز جلالی یا نوروز سلطانی

چون هر سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و هر چهار ربع یکروز میگردد اگر ربعها را محسوب ندارند پس از چهار سال نوروز (یعنی اول فروردین) در روز دوم بهار قرار میگیرد و پس از هشت سال در روز سوم و بهمین طریق نوروز در تمام فصول ممکن است واقع گردد از اینرو برای رفع نقیصه کیسه را رعایت کرده اند یعنی هر چهار سال را ۳۶۶ روز میگیرند بدین طریق نوروز همیشه در آغاز بهار ثابت میماند . چون بواسطه رعایت نکردن کیسه در دوره سلطان ملکشاه سلجوقی نوروز از جای خود منحرف شده بود باشاره خواجه نظام الملک عده ای از منجمین عالقدر آن عصر از قبیل عبدالرحمن خازنی و حکیم ابوالمظفر بریاست « حکیم عمر خیام » زیجی ترتیب دادند و نوروز را بجای خود که اول اعتدال ربیعی بود آوردند و مخصوصاً ماههای فروردین ، اردیبهشت تا اسفند را تعیین و اقتباس کردند و از اینرو از آنوقت نوروز را نوروز جلالی یا نوروز سلطانی « بنام سلطان جلال الدین ملکشاه » معروف گردید .

۸- نوروز گنونی • توصیه

از آن پس جشن نوروز در تحول بوده و نشیب و فرازهای بسیاری دیده تا امروز که بدان پایه رسیده است که مردم برسوم آن چندان علاقمندی بخرج نمیدهند، من معتقدم، و مخصوصاً بهمه توصیه میکنم که نباید نسبت برسوم و آداب نوروز بنظر خرافات نگاه کنند و برخی از آن رسوم را از قبیل چیدن سفره و یا هفت سین و یا هفت میم و غیره را بنظر تمسخر و لاقیدی بشمرند. اینگونه آداب و رسوم در بین همه ملل روی زمین حتی اروپائیان و امریکاییان که امروزه متمدن ترین ملل روی زمین هستند از دوره باستان باقیمانده و نه فقط آنها را ترك ننموده اند بلکه بانهایت علاقمندی در موقع خود آنها را برگزار مینمایند. باید از همین آداب و رسوم که هزاران سال با کشمکش های عجیب و غریب گیتی مبارزه کرده و امروزه خود را بدست ما رسانیده است با نهایت احترام و علاقمندی نگاهداری کنیم و برسم امانت بدست اعقاب بسپاریم زیرا همین آداب و رسوم که بنظر برخیها بی اهمیت جلوه میکند از نظر مردم شناسی و روانشناسی ملی در دنیای امروزه اهمیتی بسزا دارد و علاوه بر اینها، این جشن نمونه دوران با عظمت ایران و یادگار شاهنشاهان با اقتدار است.

چنین جشن فرخ از آفت روزگار
 خنک آنکه آئین و رسم کیان
 بماند است از آن خسروان یادگار
 پذیرد شود با دل شادمان

شیراز - نوروز ۱۳۳۳





« این مقاله در شماره
« ۱۵۳ و ۱۵۴ روزنامه
« پیغام چاپ شیراز درج
« شده است . »

جشن تاریخی مهرگان

۱ = مقدمه | در ایران قدیم برای هر يك از روزهای ماه ، نام خاصی قائل بودند بدینطریق :

هرمز (۱) • بهمن (۲) • اردی بهشت (۳) • شهریور (۴) • اسفند (۵) • خرداد (۶) • مرداد (۷) • دیباذر (۸) • آذر (۹) • آبان (۱۰) • خور (۱۱) • ماه (۱۲) • تیر (۱۳) • گوش (۱۴) • دیب مهر (۱۵) • مهر (۱۶) • سروش (۱۷) • رشن (۱۸) • فروردین (۱۹) • بهرام (۲۰) • رام (۲۱) • باد (۲۲) • دبیدین (۲۳) • دین (۲۴) • ارد (۲۵) • اشتاد (۲۶) • آسمان (۲۷) • رامیاد (۲۸) • ماروسفند (۲۹) • ایتران (۳۰) .
و چنانکه می بینیم در این میان نامهای دوازده ماه هم گنجانیده شده است .
از همان ارمنه قدیم رسم بوده که هر گاه نام روز با نام ماه تطبیق می کرده است ، جشن میگرفته اند ، مثلاً بهمن روز ماه بهمن (دوم بهمن) و اردی بهشت روز ماه اردی بهشت (سوم اردی بهشت) و شهریور روز ماه شهریور (چهارم شهریور) و بهمین ترتیب در هر ماهی يك جشن داشته اند ولی اهمیت این جشنها یکسال نبوده است .

از میان جشنهای دوازده گانه سال دو جشن از همه بزرگتر و مهیتر بوده است که یکی دو آغاز بهار بوده و دیگری در ابتدای پائیز • یکی در اعتدال ربیعی واقع بوده و دیگری در اعتدال خریفی • و آندو یکی « جشن نوروز » بوده است و دیگری « جشن مهرگان » •

(۲) مهر گیمیت • مهر یا مهرشرا | مهر اساساً یکی از خداوندگان ابتدائی قوم آریاست که پیش از اینکه در فلات ایران رحل اقامت افکنند و بدو شعبه هند و اروپائی تقسیم شوند ، مورد پرستش همه ایشان بوده است •

ولی مهر در اوستا و دین زردشتی طور دیگری تعبیر شده است • اگر چه مهر جزء امشا سپندان هفت گانه دین زردشتی نیست ولی قدر و مقام مهمی دارد • مهر از فرشتگان بزرگ و ایزد فروغ و روشنائی است • صفات وی راستی و درستی و شجاعت و دلیری است • وی حامی راستان و دلیران و دشمن خلاف و دروغ است و پیوسته مهباست که با هرگونه دروغ و تقلب و ظلم و ستم و خلافتی نبرد کند • بواسطه همین اهمیتی که مهر داشته است کیش مهر پرستی از هند و ایران تا آسیای صغیر و یونان و روم حتی تا سرحد آلمان کنونی بسط یافته و مدتها یکی از ادیان مهمه بوده است و کیش مزبور تا قرن پنجم مسیحی یکی از کیشهای مهم و متداول آنزمان دنیای متمدن بوده است و هنوز آثار و عکسها و مجسمه هائی که برای مهر ساخته اند در کشورهای مختلفه مخصوصاً در روم و قسور و اتیکان فراوان است •

(۳) وجه تسمیه مهرگان | چنانکه بیان کردیم «مهر» نام یکی از فرشتگان بسیار مهمی است

که در اوستا ذکر شده است و نظر باهمیتی که داشته است و هم چون ایرانیان معتقد بودند که «ایزد مهر» نگهبان و حامی قوم دلیر و راستگوی ایرانی است، این جشن را بنام وی میگرفته اند •

روایت دیگری که وجه تسمیه مهرگان را بیان میکند، وبا گفتار فردوسی در شاهنامه مطابق است این است که چون خروج کاوه آهنگر برضحاك ستمگر و شکست و خلع وی از سلطنت و برتخت نشستن فریدون دادگر دز این روز صورت گرفته است، ایرانیان بشکرانه شکست ضحاك که مظهر ستمگری بوده و جلوس فریدون که نمونه مهر و محبت و دادگری بوده، این روز را جشن گرفتند و چون از آنروز بعد حکام و فرمانروایان برعایا و زبردستان «مهر بان» شدند و چون «مهرگان» بمعنی محبت پیوستن است، جشن جلوس فریدون را که باعث رواج مهر و محبت شده بود، «جشن مهرگان» نامیدند.

فردوسی نیز پس از ذکر خروج کاوه و جلوس فریدون آنرا چنین توصیف میکند:

برسم کیان تاج و تخت بهی بیار است با کاخ شاهنشاهی
 بروز خجسته، سر مهر ماه بسر بر نهاده آن کیانی کلاه
 می روش و چهره شاه نو جهان نور داد از سر ماه نو
 نشستند فرزنانکات شاد کام گرفتند هر يك ز با قوت جام
 دل از داوری ها پیرداختند بآیین یکی جشن نو ساختند
 بفرمود تا آتش افروختند همه عنبر و زعفران سوختند
 پرستیدن «مهرگان» دین اوست تن آسانی و خوردن آیین اوست
 برخی دیگر گویند که پارسیانرا پادشاهی بود «مهر» نام که بغایت ظالم و ستمگر بود و در نیمه ماه رخت از جهان بر بست و بدان سبب مردم شادمان شدند و چون مهر بمعنی مرك و گان مترادف «پادشاه ظالم» است آنروز به «مهرگان» یعنی مرك پادشاه ظالم نامیده شد!
 اگر چه وجه تسمیه فوق افسانه بنظر میرسد ولی شاید افسانه مزبور با قضیه ضحاك ارتباط داشته باشد.

برخی دیگر گویند که مهر نام آفتاب است و چون در این روز آفتاب برای عالم ظهور کرد از اینجهت آنروز را مهرگان گفتند !
خلاصه نظر با اهمیت مهر و جشن مهرگان افسانه و روایات بیشمارى برای پیدایش و وجه تسمیه آن ذکر شده است که غالباً افسانه بنظر میرسد.

جشن مهرگان که در مهر روز
ماه مهر (۱۶ مهر ماه) میگرفته اند

۴) رسوم مهرگان

نظیر وتالی جشن نوروز بوده و چه در دربار سلطنتی و چه در میان مردم با رسوم و آداب فراوانی برگزار میشده است. جشن مهرگان اساساً جشن سور و سرور و شادی و شغف بوده و تقریباً همان رسوم و آئینی که در جشن نوروز برگزار میشده، در این جشن هم بعمل میآمده است. این جشن نیز مانند نوروز شامل دو قسمت بوده که یکی را مهرگان عامه میگفته اند (روز شانزدهم مهر) و دیگری مهرگان خاصه مینامیده اند (روز بیست و یکم مهر) در این روز پادشاهان لباسهای فاخر و زیورهای فراوان می پوشیده اند و تاجی که صورت خورشید بر آن نقش بوده است بر سر میگذاشته اند (چون مهر بمعنی آفتاب و خورشید هم هست) و بار عام میداده اند. در بامداد روز جشن، نخستین کسی که بحضور پادشاه رسیدی مؤبدان و دانشمندان بودند و هفت خوان از میوه چون شکر و ترنج و سیب و بهی و انار و عناب و انگور سپید و کنار با خود آوردندی و تقدیم پادشاه می نمودند زیرا که پارسیانرا عقیده بوده است که هر کس در این روز از هفت میوه مزبور بخورد و روغن «بان» بر بدن بمالد و گلاب بپاشد و بخود و بدوستان بپاشد در آن سال از آفات و بلیات محفوظ خواهد بود.

در این روز بزرگان و فرمانروایان و پادشاهان دست نشاندۀ و مطیع، بحضور پادشاه رسیده و برای سلطان تحف و هدایا میآوردند چنانکه استرابون جغرافیادان مشهور یونان در کتاب خویش نوشته است که: ساتراپ ارمنستان هر ساله برای شاهنشاه ایران هزار کره اسب میفرستاد تا آنکه از

جشن مهرگان از نظر وی بگذرانند .

در این جشن خواندن و نواختن و رقص بسیار معمول بوده است و لابد جشن مهرگان آهنگها و سرودهای بسیاری داشته است که امروزه جز اسامی الحان «مهرگانی» و مهرگان خرد و مهرگان بزرگ چیزی باقی نمانده است . چنانکه نظامی هنگامیکه الحان بار بدرا می شمارد، یکی از آنها را نیز «لحن مهرگانی» میدانند و میگوید .

چو نو کردی ثوای «مهرگانی» بپردی هوش خلق از مهربانی

تا آنجائیکه از تاریخ
برمیآید جشن مهرگان

۵. مهرگان در ادوار تاریخی

از قدیم ترین ادوار تاریخی مرسوم و متداول بوده و در دوره هخامنشی با اهمیت کاملی برگزار میشده است و چون در دوره هخامنشی علو مقام خاصی برای فرشته مهر قائل بوده اند ، چه دربار سلطنتی و چه مردم ، جشن مزبور را یکی از بزرگترین جشنهای مذهبی و ملی دانسته و در حفظ و بجا آوردن رسوم آن میکوشیده اند . پس از تسلط اسکندر بر دارا و رواج عادات و رسوم یونانی ، مهرگان نیز از رونق افتاد ولی چون جشن مزبور یکی از جشنهای مهم بوده و مردم علاقمند بدان بودند بکلی آنرا فراموش نکردند و پس از روی کار آمدن سلاطین اشکانی و پیدایش آزادی بیشتری برای ایرانیان جشن مزبور دوباره رونق گرفت ولی پس از ظهور اردشیر بابکاف و زنده کردن آثار و رسوم باستانی و مخصوصاً چون توجه خاصی باحیاء دین و آئین زردشت ابراز میکردید و جشن مهرگان نیز جنبه مذهبی داشت آنرا باشکوه تمامی مرسوم نمودند و آداب و رسوم بسیاری برای آن متداول کردند . در تمام دوره سلطنت سلاطین ساسانی ، کلیه جشنهای ملی و مذهبی مخصوصاً نوروز و مهرگان فر و شکوه بسیاری داشت و مورخین اعم از داخلی و خارجی با تفصیل زیادی آنرا وصف کرده اند .

پس از غلبه اعراب بر ایرانیان با آنکه بسیاری از آداب و رسوم ملی

و مذهبی متروک گشت و تعصب جاهلانه اعراب آنها را نابود ساخت ، نظر باهمیت و علاقه ایکه مردم بجشن نوروز و مهرگان داشتند ایندو جشن را باقی گذاردند و خود اعراب نیز آندو را رعایت نمودند و حتی او را دواذعیه هم برای جشنهای مزبور درست کردند .

اعراب مهرگان را « مهر جان » نامیدند و تمام خلفاء آنها را رعایت میکردند و حتی برخی از آنان از رسوم مهرگان استفاده کرده و رهايا و حکام را وادار کردند که بنا بر رسوم ایرانیان درجشن مزبور هدایا و تعفی بایشان پیشکش دارند .

در دوره برمکیان که دوره تسلط ایرانیان بود جشنهای ایرانی مخصوصاً نوروز و مهرگان باشکوه بسیاری برگزار میشد و شعرای عرب قصائد غرائی در وصف آندو جشن سروده اند ، ما برای نمونه چند بیت آنها اینجا نقل میکنیم .

یکی از شعرا جشن مهرگانرا چنین وصف کرده است .

احب المهرجان لان فيه	سروراً للملوك ذوى السناء
و باباً للمصير الى اوان	آح فيه ابواب السماء
و دیگری از شعراء دویست زیر را برای متوکل خلیفه عباسی فرستاده است .	
المهرجان لنا يوم نسر به	يوم تعظمه الاشراف والعجم
وانت فيه لنا بدریضیئی کما	ان السماء بیدر اللیل تبتم

هنکا میکه دوره تسلط اعراب سیری شد و امراء و سلاطین ایرانی دارای استقلال شدند و حس ملیت و علاقمندی به زنده کردن آثار ملی در ایرانیان رشد و نمو کرد، از جمله آداب و رسومى که دوباره زنده شد «جشن مهرگان» بود که هم مردم و هم دربار امراء و سلاطین سامانى و غزنوی و صفاری و غیره برای احیاء و حفظ آنها پافشاری کردند تا دوباره مهرگان رونق گرفت . شعراء وطن پرست و علاقمند بآداب و رسوم ملی نیز در جشنهای مزبور قصائد شیوا سرودند و سلاطین و مردم را به برپاداشتن آن تشویق و ترغیب کردند .

چنانکه فرخی در طی یکی از قصائد خود که بدین مطلع است :
تا خزات تاخفت آورد سوی باد شمال
همچو سرما زده با زلزله گشت آب زلال
گوید :

مهرگان جشن فریدون ملك ، فرخ باد
بر تو ، ای همچو فریدون ملك ، فرخ فال
و در وقت دیگری که مهرگان با ماه رمضان مصادف بوده است در قصیده
دیگری گوید :

مهرگان امسال شغل روزه دارد پیش در
خواجه از آتش پرستی توبه داد او را مگر؟
و در پایات همین قصیده گوید :

روز او فرخنده باد و روزه اش پذیرفته باد
وین خجسته مهرگان از روزها فرخنده تر
و منوچهری در قصیده ثی که بدین مطلع است :

بینی آن ترکی که چون او برزند بر چنك ، چنك
از دل ابدال بگریزد بصد فرسنگ ، سنك
گوید :

ای رئیس مهربان، این مهرگان ، خرم گزار
فرو فرمان فریدون را تو کن فرهنگ ، هنك
امیر مغری در قصیده ای که بدین مطلع است :

تا خزان زد خیمه کافور گوت بر کوهسار
مغرش زنگار گوت بر داشتند از مرغزار
گوید :

مهرگان باز آمد و بر دشت لشکر گاه زد
(گنج خواه) آمد که او هست از فریدون یادگار

بندگان مهربان ، از بهر جشن مهرگان
 تحفه ها آرند پیش خسروان روزگار
 و در قصیده دیگری که در مدح ملک‌شاه ساجوقی است گوید :
 این مهرگان فرخ و جشن بزرگوار
 فرخنده باد و میموت بر شاه روزگار
 و مسعود سعد سلمان در قصیده ئی با بکار بردن صنعت جناس کامل و
 نمایاندن معانی مختلفه « مهر » اشاره بچشم مهرگان نموده و گوید :
 « روزمهر » و « ماه مهر » و « چش فرخ » « مهرگان »

« مهر » بفرزا ، ای نگار « مهرچهر » « مهربان »
 جشن مزبور تا حمله مغول در تمام ایرات معمول و متداول بوده است
 ولی پس از تاخت و تاز آتقو و وحشی و گسیخته شدن رشته امور و عقاید و
 رسوم ایرانیان ، جشن مهرگان نیز متروک شد و دیگر برگزار نکردید و تا
 امروز که تنها نامی از آن بجای مانده است .

۶- مهرگان يك جشن فرهنگی | از زمانیکه دانشگاه ایرات ایجاد کردید ،

روز پانزدهم بهمن ، که روز نصب اولین سنک بنای آن بنگاه مهم فرهنگی
 بود ، بعنوان يك جشن فرهنگی گرفته میشد : روز مزبور در تمام کشور
 برای فرهنگیان تعطیل عمومی بود و علاوه بر آن ادارات فرهنگ جشنهایی
 تشکیل میدادند و در آن جشنها بشاگردان و کارمندان فرهنگ جوایزی داده
 میشد و گواهینامه های فارغ التحصیلها را توزیع میکردند . ولی چوت
 توزیع گواهینامه ها در نیمه بهمن دیر بود ، سال پیش در زمان وزارت آقای
 دکتر صدیق ، وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که جشن توزیع گواهینامه ها
 را به ماه مهر محول نماید و برای اینکار از « مهرگان » استفاده کردند و
 مقرر شد که از این پس ، جشن توزیع جوایز و گواهینامه ها را در روز
 ۱۶ مهر که جشن قدیمی و تاریخی مهرگان بوده است گرفته شود و بدین طریق

هم جشن مهم مهرگان زنده شد و هم جشن فرهنگی و توزیع گواهینامه ها زود تر صورت گرفت .

بعقیده من این اقدام وزارت فرهنگ که عبارت از احیای يك جشن بزرگ و مهم ملی است بسیار قابل تمجید و تقدیر است و اکنون که جشن مزبور بهمت یکنفر وزیر دانشمند زنده شده است شایسته است که مردم نیز آنرا رعایت کنند و جشن مزبور را بر پا سازند .

(۷) يك پیشنهاد = جشن پایان خرمین
در بسیاری از کشورهای اروپائی و حتی آسیائی مرسوم است که دهقانان و کشاورزان و عموم اهالی در فصل پاییز که هنگام برداشت محصول است و خرمین پایانت مییابد ، جشنی دارند که آنرا « جشن پایان خرمین » مینامند .

نظر باینکه « مهرگان » با پایان خرمین و برداشت محصول مصادف است من پیشنهاد میکنم که دهقانان و مالکین و کشاورزان و سایر اهالی ایران جشن مهرگان را بعنوان جشن پایان خرمین و برداشت محصول معمول و متداول سازند و در آنروز بشادی و مسرت و خوشی بپردازند .

برای اجرای این پیشنهاد بنظر من ملاکین و زارعین باید قدم اولرا بردارند و آنرا بین کشاورزان و دهقانان مرسوم و متداول کنند . و بر نویسندگان علاقمند بآداب و رسوم ملی است که با خامه توانای خویش برای عملی شدن این پیشنهاد کوشش و مجاهدت نمایند .

شیراز - مهرگان ۱۳۴۴





«این مقاله در شماره ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ روزنامه پارس»
«چاپ شیراز درج شده است»

((جشن تاریخی سده))

(مقدمه)

در میان ملل باستانی دنیا « و هم چنین ملل کنونی گیتی » کمتر ملتی چون ایرانیان بوده اند که در عرض سال اینهمه جشنهای متعدد داشته باشند و بسور و سرور بپردازند . طبع لطیف و ذوق و قریحه ایرانی ؛ برای اینکه لا اقل ماهی یکمرتبه وسیله سرور و خوشی ، عیش و نوش فراهم نماید و بساط بزم و خوشگذرانی را مهیا سازد ، جشن های گوناگونی ترتیب داده و هر يك را با عنوانی خاص و آداب و رسومی مخصوص بجا میآورده است .

برای اینکار ترتیب مخصوصی قائل شده بودند بدینمعنی که چون هر يك از روزهای ماه « سی روز » دارای نام خاصی بوده است ، و نام ماهها هم در ضمن آن سی نام گنجانیده بودند ، از اینرو هرگاه نام روز با نام ماه تطبیق میکرده است جشن میگرفته اند . مثلاً فروردین روز ماه فروردین . اردیبهشت روز ماه اردیبهشت . خرداد روز ماه خرداد . مهر روز ماه مهر و غیره بدین ترتیب ، دهر ماهی اقلاً يك جشن مسلمی داشته اند .

علاوه بر جشنهای دوازده گانه مزبور ؛ جشنهای دیگری هم داشته اند ، از قبیل جشن نوروز - جشن سده - جشن نیلوفر - جشن فروردگان و غیره ولی در میان این جشنها سه جشن از همه مهتر بوده و آنها را با آداب و رسوم متعدد و شکوه بسیاری برگزار میکردند . آن سه جشن مهم عبارت اند از (نوروز - مهرگان - سده) چنانکه ملك الادب صبوری اصفهانی نیز طی قصیده گفته است :

نوروز و مهرگان و سده جشن ایزدی است
آئین خسروی است نه دستور موبدی است

پیدایش و نام گذاری سده :

جشن سده را روز دهم بهمن ماه میکرفته اند و این روزی است که چله کوچک زمستان آغاز میگردد .

برخی گویند اینکلمه از لفظ « سد » (صد) گرفته شده است زیرا که از اینروز تا جشن نوروز و شروع بهار پنجاه روز و پنجاه شب مانده است که مجموعاً « سد » میشود چنانکه منوچهری نیز طی قصیده گوید :

بر لشکر زمستان نوروز نامدار کرده است قصد تاختن و عزم کارزار
اینک بیامده است به پنجاه روز پیش « جشن سده » طلایه نوروز نامدار

صاحب برهان قاطع گوید : در اینروز هوشنگ با « صد کس » از خاصان خود بطرف کوهی رفت . ناگاه ماری بزرگ و قوی جثه بنظرش رسید . چون هرگز مار ندیده بود متعجب شد و گفت : همانا این جانور دشمن ماست . پس سنگی را برداشت و بجانب آن مار افکند . سنگ خطا شده بر سنگ دیگر خورد و آتش از آن برجست و بخس و خلشاک افتاده مار را بسوخت .

چون تا آنروز آتش کشف نشده بود ، هوشنگ با همران « صد کس » از پیدایش آتش خوشحال و خرم گشتند و پادشاه گفت این نور خداست که دشمن مارا کشت . پس بسجده رفت و بفرمود تا آنروز و شب را جشن ساختند و بمناسبت عده همراهان خود ؛ آنرا « جشن سده » نامید .

فردوسی نیز پیدایش جشن سده را بهمین کیفیت دانسته و آنرا در طی ایات زیر چنین شرح میدهد:

یکی روز شاه جهان سوی کوه گندم کرد با چند کس همگروه
پدید آمد از دور چیزی دراز سیه رنگ و تیره تن و تیز کار
دو چشم از بر سر، چو دو چشمه خون ز دود دهانش جهان تیره گون
نگه کرد هوشنگ با هوش و هنک گرفتش یکی سنک و شد پیش جنگ
بزور کجانی رها شد ز دست جهان سوزمار، از جهان جوی جست
برآمد بسنک گران سنک خرد همین و همان سنک شد خرد خرد
نشد مار کشته ولیکن ز راز از آن هر دو سنک آتش آمد فراز
بسنگ اندر آتش از او شد پدید کزو در جهان روشنی گسترید
بگفتا: فروغی است این ایزدی پرستید با ید اگر بخردی
شب آمد برافروخت آتش چو کوه همان شاه در گردان با گروه
یکی جشن کرد آتش و باد خورد «سده» نام آن جشن فرخنده کرد
زهوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چو او دگر شهریار
صاحب کتاب مختصر البلدان جشن سده و آتش افروزی آتش و وجه تسمیه

آنها به پیروزی فریدون و گرفتاری ضحاک نسبت داده چنین گوید:
وقتی که فریدون بکوه دماوند رسید «ازمایل» نامی را گرفتار کرد
که بامر ضحاک هر روزه دونفر را میکشته است و فوراً حکم قتل او را داد.
متهم شرحی راجع بعدم گناه خود بیان کرد و گفت که حکم ضحاک را پیوسته
نقض میکرد و اشخاصیکه باید کشته شوند مخفیانه آزاد کرده و در کوههای
دور دست جا داده است و برای اثبات همین مدعا همه را خبر کرد که شب
هنگام پشت بامشان آتش افروختند و بدین واسطه کثرت نفوس آنها را از
دور بفریدون نشان داد و فریدونهم پس از اظهار مسرت او را خلعت داد و گفت:
خانمانهای بسیار را آزاد کردی. از اینرو این رسم آتش افروزی بر جای ماند.

زمخشری دو کتاب مقدمه الادب نوشته است که شب آنروز را «گزنه» گویند که بسختی برودت و گزندگی معروف و موصوف است و آن شب چهل زمستان است که علی المشهور همان شب چله کوچک باشد و علی الرسم در آن شب آتش بازی میکردند . خیلی محتمل است که اصل کلمه پارسی آن «سوزا» و یا «سوزاک» بوده است که صیغه مبالغه از سوختن باشد .
عربها نام این روز را معرب کرده و «سذو» گفته اند .

برخی دیگر گویند که چون عده فرزندان کیومرث بصد رسید ، بنای عروسی گذاشته هر دختری را به پسر ترویج کرد و آنشب را جشن گرفته و آتش بسیار فروخت و این عید بزرگ از آنوقت معمول و مرسوم گردید چنانکه منوچهری گوید :

جشن سده امیرا رسم کبار باشد  آئین کیومرث و اسفندیار باشد

رسوم جشن سده

جشن سده نیز مانند جشن نوروز و مهرگان دارای آداب و رسوم مفصلی بوده است . در اینروز مردم بسور و سرور و گردش میپرداخته اند و سلاطین بارعام میداده و حکام و بزرگان تحف و هدایائی بخدمت پادشاه تقدیم میکردند ابو ریحان بیرونی در کتاب التفهیم میگوید که «آتشها زنند بگوز و بادام و گردا گردان شراب نوشند و لهو و شادی کنند»
در آثار الباقیه ذکر شده است که «در جشن سده که در آبان روز ، ماه بهمن گرفته میشود ، اهالی فارس انواع اطعمه از گوشت و حبوبات خورند و اشربه گوارا نوشند و بخور معطر فراهم آورند»
رسم مخصوص و عجیبی که این جشن را از سایر جشنها ممتاز کرده است مسئله آتشبازی شب آنست «شب میان روزدهم و روز یازدهم بهمن» و چنانکه در کتب مختلفه کر شده بدینطریق عمل میشده است :
اولا در میدانهای عمومی و پشت بامها آتشیهای فراوانی میافروخته اند .

ثانیاً در قلل کوهها و بالای تپه ها و روی هر جای بلندی نیز آتشهاروشن
 میکرده اند و در سرای پادشاه و بزرگان آتشبازی مفصلی بعمل میآمده است.
 ثالثاً مرغان بسیار را گرفته و پیاپی آنها خس و خاشاک و یا پوست
 گردو می بسته اند و آتش زده در هوا پرواز در میآورده اند و بدینطریق
 محیط شهر بیک پارچه آتش مبدل میشده است .

در طرز مجالس پذیرائی و مخصوصاً تهیه خوراکها و محتویات خوان
 ها نیز آداب و رسوم ویژه بعمل میآمده است .

این آداب و رسوم بعد از اسلام نیز با نهایت تفصیل اجرا میشده و
 مخصوصاً در دوره سامانیان و غزنویان و سلجوقیان و دیلمیه با نهایت شکوه
 برگزار میگرددیده است . چنانکه شعرائیکه در باب این جشن قصائد سروده
 اند ، وصف آنها را مفصلاً در اشعار خود آورده اند . کما اینکه فرخی
 در قصاید چندی مخصوصاً در طی قصیده زیر :

گر نه آئین جهان از سرهمی دیگر شود چون شب تاری همه از روز روشنتر شود ؟
 روشنائی آسمانرا باشد و امشب همی روشنی بر آسمان از خاک تیره ، بر شود
 روشنی در آسمان از آتش جشن سده است کز سزای خواجه با گردون همی همسر شود

و عنصری در قصیده :

سده جشن ملوک نامدار است ز افریدون و از جم یادگار است
 زمین امشب تو گوئی کوه طور است کزو نور تجلی آشکار است
 گرین روز است ، شب خوانندش نباید و گرشب روز شد خوشروزگار است
 گر از فصل زمستان است بهمن چرا امشب جهان چون لاله زار است ؟

و منوچهری در قصیده :

بر لشکر زمستان نوروز نامدار کرده است عزم تاختن و قصد کارزار
 اینک بیآمده است بینجاه روز پیش جشن سده ؛ طلایه نوروز نامدار

و منشوری سمرقندی در قصیده :

دو چیز یافت از این آتش سده دو همال ستاره یا ر و زرین و آسمان خلخال
ز آفتاب یکی جام کرد چرخ امشب پیادشاه بکف بر نهاد مالا مال
وصف جشن سده را مفصلا ذکر میکنند .

خاقانی شروانی نیز رباعی دلکشی دارد که به جشن سده اشاره میکند

شرح زیر :

شبهای سده زلف مغان و ش داری در جام طرب باده دلکش داری
توخوش همه ساله سده خوش داری با زلف چلیپا رخ آتش داری
علاوه بر شعرای ایرانی بسیاری از شعرای عرب هم که معاصر سلاطین
سامانی و غزنوی و سلجوقی و دیالمه بوده اند جشن سده و آتشبازیهای آنرا
مفصلا توصیف کرده اند که ما ایات بعضی از آن قصائد را در اینجا ذکر میکنیم
ابن حجاج گفته است :

لَيْلَتُنَا حَسَنَهَا عَجِيبٌ	بِالْقَصْفِ وَالتَّيْهِ قَدْ نَحَقُّ
لِنَارِهَا فِي السَّمَاءِ لِسَانٌ	عَنْ نَوْرِ ضَوْءِ الصَّبَاحِ يَنْطَقُ
وَالْجَوُّ مِنْهَا قَدْ صَارَ جَمْرًا	وَالنَّجْمُ مِنْهَا قَدْ كَادَ يَحْرَقُ
وَدَجَلَةٌ أَضْرَمَتْ حَرِيقًا	بِالْفِ نَارُ الْوُفِّ زُورِقُ

صاحب نهایة الادب ذکر میکند که در جشن سده سال ۴۸۴ هجری که
با عید غدیر خم مصادف بوده است « ملکشاه سلجوقی در بغداد جشن مفصلی
ترتیب داد و مخصوصا دستور داده بود که کلیه سفاین و گرجی هائیکه روی
رود دجله بود با طرز بدیعی آذین بسته و چراغانی کنند و جشن آنشب بقدری
با شکوه بوده است که شعرای عرب قصاید بسیاری در وصف آن گفته اند و
از آن جمله است قصیده ابوالقاسم المطرزی که ایات ذیل از آن است :

وَكُلُّ نَارٍ عَلَى الْعِشَاقِ مُضْرَمَةٌ مِنْ نَارِ قَلْبِي أَوْ مِنْ لَيْلَةِ السَّدَقِ
نَارُ تَجَلَّتْ بِهَا الظُّلُمَاتُ وَاشْتَبَهَتْ بِسَدَقَةِ اللَّيْلِ فِيهَا غُرَّةُ الْفُلُقِ
مِثْلُ الْمَصَاحِبِ إِلَّا أَنَّهَا نَزَلَتْ مِنْ السَّمَاءِ بِلا رَجْمٍ وَلَا حَرَقِ
أَعْجَبَ بِنَارِ وَرِضْوَانِ عِصْرِهَا وَ مَالِكٌ قَائِمٌ مِنْهَا عَلَى فَرْقِ

تعالی نیشابوری در کتاب ثمار القلوب نقل کرده است که ابو العباس الربنجی قصیده در تهنیت جشن سده برای امیر نصر ابن احمد سامانی ساخته بود که مطلع آن این بود :

مهترا ! بار خدایا ، ملک بغدادا سده سی و یکم بر تو مبارک بادا
در موقع خواندن امیر نصر سخت بر آشفت و خطاب بوی نمود و گفت :
این شمر دنی چه بایست ؟

واز استماع آن قصیده اعراض کرد و از قضا همانسال بسده دیگر نرسید
جان بجان آفرین تسلیم کرد !

ششمین جشن سده

وقتیکه در قرن دوم هجری نهضت های ایرانی بر علیه تسلط اعراب بوجود آمد و امراء و سلاطین ایرانی ، حکومت های ملی را تشکیل دادند ؛ حس احیاء آداب و رسوم ملی تهییج گردید و مردم سعی کردند که آنچه از آن آداب و رسوم در نظر داشتند و یا در کتب میدیدند اجرا کنند و بدانوسیله ملیت خود را از نو پدیدار سازند و تمدن و تفوق خویش را در برابر اعراب جلوه گرزاند . ظهور فردوسی و نظم شاهنامه دو اجرای این منظور ویدار ساختن این حس کمک شایانی نموده .

امر او سلاطین ، بیش از همه در این راه میکوشیدند و تعصب بخرج میدادند و پافشاری میکردند زیرا با این عمل هم توجه مردم را بخود جلب میکردند و هم میخواستند ثابت کنند که از نژاد پاک ایرانی و از دودمان سلاطین ساسانی هستند .

یکی از متعصب ترین آن سلاطین (آخرین آنها) (مرد آویز) زیاری است که عربها او را (مرداو بیج) گفته اند .
مرد آویز که مردی متهور و رشید و جنگجوی بود است ؛ پس از آنکه

رقبای خود را از میان برداشت، تصمیم داشت که بر بغداد بتازد و حکومت عرب را پایان دهد و سلطنت ساسانی را دو باره احیا نماید .

از اینرو برای خویش تختی از طلای ناب بساخت و تاجی چون تاج کسری پادشاه ساسانی تهیه نمود و دربار خود را چون دربار ساسانی بیاراست. از جمله عقاید راسخ او این بود که تمام جشنها و آداب و رسوم ساسانی تجدید و احیا شود؛ از اینرو در دهم بهمن ماه ۳۲۳ هجری که در اصفهان بود دستور داد تا جشن سده را با شکوه هرچه تمامتر برپا کنند .

برای اینکار چند روز پیش از دهم بهمن هیزم بسیاری را در ساحل زنده رود گرد آوردند و نفت بسیاری بر آنها پاشیدند و بر تمام کوههای اطراف اصفهان نیز هیزم و خار و بته فراوان قرار دادند و در مسافتی از تنه های عظیم درختان ؛ قصرها و منابر چوبی درست کردند و آنها را با آهن بهم اتصال دادند تا رویهم نریزد و در فاصله آنها خار و خاشاک نفت آلود ریختند و مرغهای بسیاری را صید کردند و بر منقار و پاهاى آنها پوست گردوی مملو از خاشاک و ریزهای پشم نفت آلود بستند .

فرمان « مرد آویز » چنان بود که تمام آنها در یکساعت معین روشن گردد و مرغانرا در حالیکه منقار و پنجه های ایشان از آتش روشن باشد ، بیرواز در آورند و نیز فرمان داد تا خوانی عظیم و مفصل بگسترند و بطوریکه مینویسند هزاران مرغان و ماکیان های بریان بر آنها نهادند .

سرانجام چون موقع فرا رسید ، مرد آویز شراب نوشید و بیرون آمد و فرمانداد تا یکباره آتش افروزی شروع شود و مرغان بیرواز آیند . و خود بسرخوان آمد ولی با این تفسیر مرد آویز آن تهیه ها را نپسندید و گفت که در با شکوه ساختن جشن تسامح کرده اند و بفراهم آوردنندگان جشن که بیشتر ترکان بودند دشنام دادن گرفت .

اتباع وی هم بوحشت افتادند زیرا که وی در سیاست خیلی سخت گیر و بی باک بود .

در روز بعد در اثر غفلت ترکان اسباب بهم افتادند و هیاهوی عجیبی تولید گردید و چون مرد آویز از آن غوغا مطلع گشت و از غفلت غلامان ترك مسبوق گردید و بعلمت کینه ای که از ایشان در شب جشن سده داشت (برخی نوشته اند که ترکان آداب و رسوم سده را تمسخر میکردند و این خود بر کینه مرد آویز افزود) ایشانرا سخت تنبیه کرد - از اینرو ترکان بهلاکت وی کمر بستند.

روز بعد مرد آویز بحمام رفت ترکان موقع را غنیمت شمرده بحمام هجوم آوردند و آنمرد دلیر را کشتند و بدینطریق یکنفر از پادشاهان شجاع و دلیر ایران فدای جشن سده شد.

سده در ادوار تاریخی

.....

اگرچه آغاز و پیدایش سده در تاریکی قرون و اعصار باستانی پنهان است، ولی چیزیکه مسلم است این است که این جشن نیز چون «نوروز» و «مهرگان» یکی از جشنهای مهم و باشکوه دوره هخامنشی است که پس از ظهور اردشیر بابکان هم رونق یافته است و هجوم عرب نتوانسته است آنرا بکلی محو نماید. و مخصوصاً پس از روی کار آمدن امرا و سلاطین ایرانی و پیدا شدن حس احیای آداب و رسوم ملی؛ جشن سده را مفصلاً و باشکوه میگردانند چنانکه شرح آن گذشت.

این جشن تا پایان سلسله دیالیه و سلجوقیان مفصلاً گرفته میشده و از آن پس نیز کم و بیش معمول بوده است و لی پس از حمله مغول که بنای همه چیز ایران را متزلزل ساخت، جشن سده و مهرگان هم مانند غالب آداب و رسوم ملی مافرااموش گردید و دیگر برگزار نشد.

این مطلب نیز ناگفته نماند که پیش از اسلام و حتی بعد از آنهم بسیاری از ملل چون رومیها و یونانیها و اعراب بمطابقت ایرانیان جشن سده «نوروز و مهرگان» را میگردانند چنانکه در کتب تواریخ مسطور است.

اکنون - پیشنهاد

اگر چه اکنون این جشن مهم تاریخی متروک شده است ولی بر مبین
برستان و عاشقان آداب و رسوم ملی واجب است که دراحیای آن بکوشند
و آنرا معمول و متداول سازند .

برای اینکه دستاویز بهم برای احیای این جشن پیدا کنند ، من پیشنهاد
زیر را بعوم هموطنان گرامی ، مخصوصاً وزارت فرهنگ مینمایم .

تا پیش از شهر یور ماه ۱۳۲۰ یعنی تا زمانیکه اعلیحضرت فقید رضا
شاه پهلوی سلطنت میکرد ، همه ساله روز ۲۴ اسفند را که روز میلاد آن
پادشاه بود بعنوان « جشن درختکاری » جزء تعطیلات بود و در همه
آموزشگاهها جشن میکردند و درخت مینشانیدند . ولی از آن پس ، بدون
جهت ، این سیرت پسندیده یعنی جشن درختکاری را از تعطیلات حذف و
آن جشن و درختکاری را موقوف ساختند .

چون درختکاری یکی از آداب و رسوم باستانی ایرانی است که مخصوصاً
در ایران قدیم اهمیت خاصی برای آفت قائل بودند و در دنیای امروزه هم
درختکاری از هر حیث مورد توجه است ، و دهم بهمت ماه بهترین و
مناسبتترین اوقات سال برای درختکاری است ، من پیشنهاد میکنم که دهم
بهمت را « جشن سده » بعنوان « جشن درختکاری » پذیرفته شود
و وزارت فرهنگ آنروز را جزء تعطیلات رسمی قرار داده و در آنروز
شاگردانرا وادار کند که بانشریفات مناسبی درخت بنشانند ووزارت کشاورزی
هم در آنروز مالکین ر کشاورزان و دهقانانرا بغرس اشجار و درختکاری
تشویق و ترغیب نماید تا بدین طریق همانگونه که « جشن مهرگان »
بهمت وزارت فرهنگ معمول گردید « جشن سده » هم معمول و متداول گردد

شیراز - جشن سده ۱۳۲۴

پایان

کتاب قفیس

گلشکر

تالیف نویسنده این کتاب

بزودی منتشر

خواهد شد